

خدایا که آفریده است؟

بعضی از تحصیل کرده‌های پارسند :

فیلسوف معروف انگلیسی « برتراند راسل » در یکی از کتابهایش تصریح میکند که :

در جوانی به خداوند عقیده داشتم و بهترین دلیل بر آن را برهان علت العلل میدانستم و اینکه تمام آنچه را در جهان می بینیم دارای علتی است و اگر زنجیر علتها را دنبال کنیم سرانجام به علت نخستین برسیم و این نخستین علت را « خدا » می نامیم .

ولی بعداً یکی از این عقیده بر گشتم زیرا فکر کردم « اگر هر چیزی را باید علت و آفریننده ای باشد و خدای نیز باید علت و آفریننده ای داشته باشد »

— و اجماع در استقلااح اهل تسنن ، عبادت از اتفاق است (و مسلمین) نه اکثریت آنها (۱) و شیعه نیز اجماعی را حجت و دلیل مسلم میدانند که کاشف از قول امام و معصوم باشد نه عرفا اتفاق و اجماعی و نه اکثریت را پس اجماع به معنایی که نویسنده بیان کرده است نه مطابق با قول شیعه است نه منی و بطور کلی از بحثهای منحصمین فن دور و بیگانه است.

آیا راه حلی برای اشکال این فیلسوف وجود

دارد .

پاسخ :

اتفاقاً این ایراد یکی از معروفترین و در عین حال ابتدائی ترین ایراداتی است که مادیها دارند آنها بمبادرت دوشنتر میگویند « اگر همه چیز را خدا آفریده پس خدا را کی آفریده است ؟ »

حالا چطور شده آقای « راسل » خیلی دیر به این ایراد برخورد کرده درست بر ما روشن نیست ولی از آنجا که این سؤال در اذهان بسیاری از جوانان است باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد : در اینجا چند نکته اساسی وجود دارد که با توجه به آن پاسخ ایراد بخوبی روشن میشود :

۱- آیا اگر ما « عقیده مادیها را بپذیریم و

مثلاً با « راسل » همصدا شویم دیگر از این ایراد رهایی خواهیم یافت مسلماً نه ... چرا ؟

زیرا ما تر با ایستها هم عقیده به قانون علیت دارند ، آنها نیز همه چیز را در جهان طبیعت معلول دیگری میدانند : بنا بر این عین این سوال با آنها مطرح خواهد شد که اگر هر چیز معلول « ماده » است پس « ماده » معلول چیست؟ ←

۱- به کتاب الاصول العامه للفقہ المقارن صفحه ۲۵۵ مراجعه شود.

روی این حساب (و با توجه باینکه سلسله علتها و معلولها تا بی نهایت نمی تواند پیش برود) همه فلاسفه جهان (اعم از الهی و مادی) به يك وجود ازلی (وجودی که همیشه بوده است) ایمان دارند منتها مادیها میگویند . وجود ازلی جهان همان « ماده » یا قدره مشترك میان ماده - انرژی است ولی خدا پرستان میگویند سرچشمه اصلی خداست باین ترتیب روشن میشود که آقای داسل هم ناجار است به **يك وجود ازلی** (اگر چه ماده باشد) ایمان بیاورد

آیا این وجود ازلی میتواند علنی داشته باشد؟
الذمه نه ... چرا؟

ریرا يك وجود ازلی همیشه بوده ، و چیزی که همیشه بوده است نیازی به علت ندارد ، تنها موجودی نیازمند به علت است که يك وقت بوده و سپس هستی یافته است (دقت کنید)

نتیجه اینکه وجود يك مبدء ازلی و همیشگی قولی است که جملگی بر آنند و استدالات باطل بودن تسلسل (یعنی سلسله علت و معلول بی پایان) همه فلاسفه را بر این داشته که به يك مبدء ازلی فائل گردند .

بنابر این بر خلاف آنچه «راسل» پنداشته اختلاف میان «فلاسفه الهی» و «مادی» این نیست که یکی «علة العلل» را قبول دارد و دیگری منکر است بلکه هر دو بطور یکسان عقیده بوجود **يك علت - العلل** یا علت نخستین دارند .

پس اختلاف میان این دو در کجاست ؟

سریحاً باید گفت تنها نقطه تفاوت اینجاست که خدا پرستان آن علت نخستین را **داری علم و اراده** میدانند (و آنرا خدا مینامند) ولی مادیها آنرا **فاقد علم و اراده** تصور میکنند (و نام آنرا ماده گذارده اند)

حالا بطور مفصل باین آشکاری بر آقای داسل ، تاریخ مانند ، پاسخی جز این ندارد که بگوئیم : او در رشته های علوم ریاضی و طبیعی و جامعه شناسی صاحب تخصص بوده . نه در مسائل معنوی و فلسفه اولی (بمعنی شناخت هستی و سرچشمه و آثار آن) از نیات فوق این نتیجه نیز بدست می آید که فلاسفه الهی برای اثبات وجود خدا هرگز به استدلال «علت المال» (به تنهایی) دست نمی زنند ، زیرا این استدلال تنها ما را به وجود **يك** علت نخستین یا بعبارت دیگر **يك** وجود ازلی که مادیها همه آن عقیده دارند ، راهنمایی می کند

بلکه مسئله مهم برای فلاسفه الهی این است که بعد از اثبات علت نخستین برای اثبات علم و دانستی باین او استدلال کنند که اتفاقاً اثبات این مسئله از طریق مطالعه نظام هستی - اسرار شگرف آفرینش و قوانین حساب شده ای که بر سراسر آسمانها زمین و موجودات زنده و انواع آن حکومت میکند کار آسانی است (دقت کنید)

این نخستین سخنی بود که باید در پاسخ این ایراد داده شود در شماره آینده نکات دیگر این پاسخ را مطالعه خواهند فرمود . (مناسمی میکنیم این بحث مهم را در از اصطلاحات علمی تعقیب کنید ولی دیگر مختصر پیچیدگی که لازمه اصل بحث است داشته باشد یکبار دیگر آنرا مطالعه فرمائید)